



بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید آقایان محترم، برادران عزیز! این برای بنده جای خرسندی و خوشوقتی است که بحمدالله این جلسه‌ی بسیار مهم در موعد مقرر تشکیل میشود و همه‌ی دوستان شرکت میکنند و آن طور که جناب آقای رئیسی گزارش کردند، بحثها با جدیت دنبال میشود. خداوند ان شاءالله به شما کمک کند و این زحمات را از شما قبول کند. تبریک عرض میکنم اعیاد شعبانیّه را، بخصوص عید نیمه‌ی شعبان را که روز شکوفایی آرزوهای همه‌ی بشریت در طول تاریخ است، که امیدواریم ان شاءالله خدای متعال آن روز را، روز فرج را، روز ظهور را به ما نشان بدهد و هر چه زودتر ان شاءالله اتفاق بیفتد.

ماه شعبان با قطع نظر از این اعیاد هم ماه بسیار مهمی است؛ اَلَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدَابُ فِي صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ فِي لَيْالِيهِ وَ أَيَّامِهِ بِخَوْعٍ لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَ إِعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ حِمَامِهِ؛ پیغمبر تا آخر عمر با این ماه این جور رفتار میکردند. بعد هم [از خدا میخواهیم] که «فَاعْتَا عَلَى الْإِسْتِنَانِ يَسْتُتِيهِ فِيهِ». (۲) خود این مناجات شورانگیزی هم که روایت شده است و نقل شده است در این ماه، شاهد بر عظمت این ماه است. این فقراتی که در این مناجات شریف و عزیز وجود دارد، در کمتر [جایی هست]. البته همه‌ی دعاها در اختیار ما که مأثور از ائمه (علیهم السلام) است، دعاهای پرمضمون پرمحتوای فوق العاده است، همه فوق العاده است - آنهایی که حالا مأثور است و معلوم است - لکن مثل این مناجات انصافاً کم داریم. من یک وقتی از امام (رضوان الله علیه) سؤال کردم، گفتم شما در بین این دعاهایی که هست، به کدام دعا بیشتر علاقه دارید یا بیشتر اُتس دارید - حالا تعبیر خودم یادم نیست؛ یک سؤال این جوری کردم - ایشان یک تأمل مختصری کردند، گفتند دعای کمیل و مناجات شعبانیّه. اتفاقاً این دو دعا - دعای کمیل هم واقعاً یک مناجات عجیبی است - خیلی نزدیکند به هم از لحاظ مضامین، حتی از لحاظ بعضی از فقرات خیلی به هم نزدیک هستند؛ خود این دعا هم واقعاً یک فرصتی است. اَللّٰهُ هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ وَ لِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ وَ نَظْرًا يَفْرَبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ. واقعاً این جور حرف زدن با خدای متعال و عرض حاجت کردن و عرض شوق کردن به حضرت حق متعال، چیز خیلی فوق العاده‌ای است، خیلی عالی است؛ یا این فقره‌ی «اَللّٰهُ يَكْ عَلَيْكَ اِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ اَهْلِ طَاعَتِكَ وَ الْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ»؛ یا این فقره‌ی اوج این دعا که امام (رضوان الله علیه) مکرراً این فقره را در بیاناتشان ذکر میکردند: اَللّٰهُ هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ اَثَرِ ابْصَارِ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ ابْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ الثُّورِ. (۳) ماها واقعاً چه جوری میتوانیم اینها را بگوییم؟ جلوی ما حجب ظلمانی هم یکی پس از دیگری هست؛ آن وقت درخواست این دعا این است که: حَتَّى تَخْرُقَ ابْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ الثُّورِ.

خب حالا اینها دیگر یک معالم (۴) فوق العاده‌ای است که خوشا به حال آن کسانی که دسترسی دارند و فهمشان، قلبشان، روحشان آشنای با این مضامین است و درست درک میکنند این مفاهیم را؛ خوشا به حالشان! خداوند ان شاءالله به ما هم بدهد. به هر حال این ماه پُربرکتی است و ان شاءالله بتوانیم از این ماه هر چه میتوانیم و تا هر جایی که ممکن است استفاده کنیم.

مجلس خبرگان یکی از نهادهای قانونی‌ای است که در استحکام نظام اسلامی نقش فراوانی دارد؛ البته همه‌ی



نهادهای قانونی - دولت، مجلس، نیروهای مسلح، مجمع تشخیص، شورای نگهبان و امثال اینها؛ همه‌ی اینها - هر کدام به نحوی در استحکام نظام اسلامی نقش دارند، لکن [نقش] بعضی بیشتر است، بعضی کمتر است. به نظر من مجلس خبرگان جزو آن دارای نقش‌ترین نهادها در نظام جمهوری اسلامی است که البته شرط تأثیرگذاری همه‌ی این نهادهای قانونی این است که طبق ضابطه، طبق حدودی که در قانون اساسی برایشان معین شده عمل کنند؛ شما هم همین جور؛ یعنی واقعاً باید همان چیزهایی که از مجلس خبرگان خواسته شده، چه نسبت به کسی که فعلاً در جایگاه رهبری است، چه نسبت به کسی که بعدها به وسیله‌ی شما انتخاب خواهد شد و وارد این میدان خواهد شد، و آن ضوابط دقیق قانونی را درباره‌ی اینها رعایت بکنید؛ مجلس هم همین جور، دولت هم همین جور. دولت حدود قانونی مشخصی دارد؛ از همه‌ی قوانین مجلس باید تبعیت کند؛ مجلس حدود قانونی مشخصی دارد؛ در کار اجرا مطلقاً نباید دخالت کند و وارد بشود؛ باید قانون‌گذاری کند؛ و امثال اینهایی که وجود دارد.

خب ضرورت این استحکام نظام که عرض کردیم که این مجلس و سایر نهادها تأثیر دارند در استحکام نظام، از آنجا است که اگر این استحکام وجود داشته باشد، «قدرت ملی» و «قوت ملی» تحقق پیدا خواهد کرد؛ قدرت ملی و قوت ملی. و قدرت ملی برای یک ملت حیاتی است؛ یعنی یک ملت اگر چنانچه بخواهد مستقل باشد، سرافراز باشد، از منابع حیاتی خودش به میل خودش و به سود خودش استفاده کند، رأی خودش را در مسائل اساسی خودش به کار ببندد و مجبور به پیروی از رأی این و آن نباشد، نگران طمع‌ورزی بیگانگان نباشد، همیشه در ترس و لرز زندگی نکند، اگر این چیزها را یک ملتی بخواهد، باید چه کار کند؟ باید قوی باشد. قدرت ملی و قوت ملی حیاتی است برای یک ملت. اگر چنانچه قدرت ملی نبود و ملتی قوی نبود، این چیزهایی که عرض کردیم که اینها اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل یک ملت است، برایش تحقق پیدا نخواهد کرد؛ همیشه نگران، همیشه در حال ضعف و ذلت، بیگانگان مسلط [بر او] و امثال اینها. خب پس بنابراین استحکام نظام لازم است؛ قدرت ملی و قوت ملی لازم است.

قدرت ملی که می‌گوییم یک امر مرکب است، یک مجموعه است؛ یک مجموعه‌ی به هم پیوسته است. قدرت ملی را در یک نقطه‌ی خاصی، در یک جریان و حرکت خاصی نباید دید، [بلکه] یک امری است که مجموعه‌ای از عناصر وجود دارد که اگر اینها جمع شد، قدرت ملی به وجود می‌آید که حالا من چند مورد از اینها را ذکر می‌کنم.

یک رکن قدرت ملی، علم و فناوری است؛ یعنی یک بخشی از این [قدرت] علم و فناوری است. یک رکن، فکر و اندیشه‌ورزی است. دارای فکر بودن فرق میکند با دارای علم بودن؛ باید فکر باشد. این آزادفکری که ما شعارش را می‌دهیم و هر کس شعارش را بدهد ما قبول می‌کنیم، اثرش همین پیشرفت فکری است؛ یعنی اگر پیشرفت فکری نباشد، علم و مانند اینها هم اگر گیر یک ملتی بیاید، به دردش نخواهد خورد؛ فکر باید کار کند، حرکت کند و پیشرفت داشته باشد در مجموع ملت، که این هم جز با آزادی فکر اصلاً امکان‌پذیر نیست؛ یعنی بدون آزادی فکری، پیشرفت فکری امکان‌پذیر نیست.

یک عنصر دیگر، امنیت و قدرت دفاعی است؛ یک ملت بتواند خاطر جمع باشد که در مواقع اضطرار میتواند از خودش دفاع کند. یک بخش دیگر، مسئله‌ی اقتصاد و رفاه عمومی است؛ این هم بسیار مؤثر است که مردم از لحاظ معیشت دچار آسایش خاطر باشند. یک رکن دیگر، سیاست و قدرت چانه‌زنی سیاسی و دیپلماسی است؛ این هم یک بخشی از قدرت ملی است که یک کشوری و یک ملتی برگزیدگان و خبرگانی داشته باشد که در میدانهای سیاست و دیپلماسی بتوانند چانه‌زنی کنند، مذاکره کنند، منافع ملت را تثبیت کنند و به دست بیاورند. یک رکن دیگر، فرهنگ و سبک زندگی است؛ این هم یک رکن قدرت است. اگر چنانچه [یک ملت] از لحاظ سبک زندگی، تابع و اسیر دیگران و تابع بدون رأی و نظر دیگران باشند و فرهنگ مستقر خودشان را نداشته باشند، طبعاً این ضعف شدیدی در قدرت ملی است.



یک رکن دیگر، منطق جذابی است که روی ملت‌های دیگر اثر بگذارد و عمق راهبردی برای کشور درست کند. اینکه شما یک منطق جذابی در جمهوری اسلامی داشته باشید که این را وقتی بدون حاجب و واسطه با ملت‌های دیگر مطرح کنید، برای آنها جذاب است و کشش دارد و قبول میکنند، این میشود عمق راهبردی شما. همه‌ی این چیزها جزو مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ی قدرت ملی است. البته عناصر دیگری هم هست که حالا من به بعضی از آنها که مورد بحث ما است، بعداً باز برمیگردم و اشاره میکنم.

هیچ کدام از این بازوهای قدرت نباید به نفع بازوهای دیگر قطع بشود؛ به این توجه داشته باشید. ما حق نداریم هیچ کدام از این عناصر قدرت را به خیال اینکه مثلاً با فلان عنصر دیگر منافی است، قطع کنیم؛ خیر، همه‌ی اینها باید با همدیگر به پیش برود که این هم ممکن است. واقعاً ناشیانه است اگر کسی پیشنهاد کند که ما قدرت دفاعی‌مان را کم کنیم که دشمنها روی ما حساس نشوند! به نظر بنده دیگر از این ناشیانه‌تر و ساده‌لوحانه‌تر چیزی نیست که آدم یک چنین حرفی بزند که برای اینکه روی ما حساس نشوند، ما قدرت دفاعی خودمان و توان امنیت خارجی خودمان را کم کنیم یا کاهش بدهیم. یا فرض بفرمایید که حضور در مسائل منطقه نداشته باشیم برای اینکه فلان قدرت بزرگ بدش نیاید یا علیه ما بهانه‌گیری نکند؛ نه، این حضور در مسائل منطقه، عمق راهبردی ما است؛ خود این، وسیله‌ی استحکام نظام است، وسیله‌ی قدرت نظام است؛ چطور این را ما از دست بدهیم وقتی یک چنین چیزی را میتوانیم داشته باشیم و باید داشته باشیم؟

یا انصراف از پیشرفت علمی! که بعضی‌ها [میگویند] «آقا، مسئله‌ی هسته‌ای را کنار بگذارید؛ مسئله‌ی هسته‌ای این همه حساسیت درست کرده یا مشکل درست کرده». خب مسئله‌ی هسته‌ای یک مسئله‌ی علمی است؛ مسئله‌ی پیشرفت علمی و فناوری آینده‌ی ما است. ما بزودی – نه خیلی دیر – تا چند سال دیگر نیازمند محصول انرژی هسته‌ای خواهیم بود؛ یعنی به طور کامل نیازمند خواهیم بود؛ به چه کسی مراجعه کنیم؟ کی شروع کنیم که بتوانیم [به دست بیاوریم]؟ بنابراین صرف نظر کردن و بی‌اعتنائی کردن به اینها [درست نیست]. یا مثلاً کوتاه آمدن در مقابل آمریکا یا هر قدرت دیگری برای اینکه از تحریم مصون بمانیم! یعنی آن بازوی سیاست خودمان و چانه‌زنی سیاسی را قطع کنیم، در مقابل اینها کوتاه بیاییم تا مثلاً فرض کنید که نبادا اگر یک خرده‌ای سرسختی کردیم، تحریم را بر ما تحمیل کنند. اینها به نظر من خطاهایی است، اشتباهاتی است که البته بعضی‌ها گفته‌اند؛ این چیزها را در طول زمان داشته‌ایم؛ با استدلالهای سست، با استدلالهای قابل خدشه و دارای ایراد به صورت فکپردازی در روزنامه و اینجا و آنجا از این حرفها گاهی زده شده؛ با اینکه همه‌ی استدلالهای اینها ابطال‌پذیر بود و ابطال شد و اصرارشان فایده‌ای نداشت.

اگر در طول این سالها اجازه داده میشد به کسانی که میخواستند برخی از این بازوهای قدرت را قطع کنند که این کار را بکنند، امروز کشور مواجه با یک خطرات بزرگی میشد. خدای متعال اراده فرمود و کمک کرد و امکان پیدا نکردند که این کارها را انجام بدهند. این هم این مطلب.

خب حالا من گفتم که به بعضی از این ارکان اقتدار ملی برمیگردم. یک رکن مهم اقتدار ملی، آن چیزهایی است که به طور مستقیم به توده‌ی ملت برمیگردد؛ مثل اتحاد ملی، مثل اعتماد ملی، مثل امید ملی، امید عمومی، مثل اعتماد به نفس ملی. یک وقت هست جنابعالی که مسئول فلان بخش دستگاه اداره‌ی کشور هستید، آدم دارای اعتماد به نفسی هستید اما یک کاری میخواهید انجام بدهید که احتیاج به کمک مردم دارد؛ [اگر] مردم این اعتماد به نفس را نداشته باشند، شما نمیتوانید این کار را انجام بدهید؛ که بنده مفصل راجع به این اعتماد به نفس ملی یک وقتی صحبت کردم. (۵) یا استحکام ایمان ملی؛ یک اصولی وجود دارد که ملت ما به این اصول مؤمن است؛ این ایمان موجب شد که در آن وقتی که در دست مردم هیچ اسلحه‌ای نبود، حتی سنگ هم خیلی اوقات نبود،



توانستند در مقابل گلوله‌ی نظامیان رژیم طاغوت بایستند و او را سرنگون کنند ؛ [این] بر اثر ایمان بود. این ایمان ملّی خیلی سرمایه‌ی ارزشمندی است ؛ حفظ ایمان ملّی، یکی از این سرمایه‌ها است که به مردم ارتباط پیدا میکند. یا مسئله‌ی معیشت عمومی یا مسئله‌ی روان بودن مسائل اجتماعی.

حالا آقای رئیس‌جمهور شرح دادند بیانات شما آقایان را. یکی از مسائل مهم در اداره‌ی کشور و زندگی عمومی مردم این است که مسائل مردم روان باشد ؛ دچار مشکل و عایق و مانع [نباشد] ؛ مثل همین که حالا اخیراً مسئولین محترم تصمیم گرفتند که پنجره‌ی واحدی برای سرمایه‌گذاری و مانند اینها باز کنند ؛ ( ۶ ) شبیه این چیزها ؛ کارها روان انجام بگیرد، آسان انجام بگیرد. اینها یک چیزهایی است که به مردم مرتبط میشود. اگر این چیزها تأمین شد، حضور مردم در صحنه تأمین خواهد شد ؛ یعنی اگر ما توانستیم این مسائلی را که مستقیم به خود مردم ارتباط پیدا میکند تأمین کنیم، حضور مردم در صحنه صد درصد خواهد بود. البته بحمدالله الان هم با اینکه ما در بعضی از این مسائل مشکل داریم [مردم در صحنه‌اند]. حتی در دهه‌ی ۶۰، در دوران دفاع مقدّس هم [با اینکه] مشکلات زیادی وجود داشت، مردم حضور داشتند در صحنه، در این تردید نیست اما اگر چنانچه این چیزها تأمین باشد، مردم یکپارچه در صحنه حضور خواهند داشت و وقتی مردم حضور داشته باشند، یک کشور و یک ملت هیچ غمی نخواهد داشت، هیچ هراسی از کسی نخواهد داشت.

لذا به همین دلیل که چون حضور مردم بسیار مهم است و حضور مردم هم وابسته‌ی به این چیزها است، شما می‌بینید که شیاطین کوچک و بزرگ در صدد اغوای مردمند ؛ [همان جور] که رئیسشان گفت «لَاغَوِيَتْهُمْ أَجْمَعِينَ»، ( ۷ ) دائم مشغول اغواء [هستند] ؛ به وسیله‌ی این رسانه‌هایی که امروز دیگر خیلی آسان کرده رساندن هر حرفی را، هر دروغی را و تزیین کردن و توجیه کردن هر حرف غلطی را، دائم به اعماق ذهنیّات جامعه چیزهایی را میرسانند. اغواء میکنند دیگر ؛ لَاغَوِيَتْهُمْ أَجْمَعِينَ ؛ برای اینکه بتوانند مردم را از آن ایمان، از آن اعتماد، از آن امید، از آن اعتماد به نفس، از این چیزهایی که گفتیم منصرف کنند و آنها را مأیوس کنند، اعتماد به نفس آنها را سلب کنند، اعتماد به مسئولین را از آنها سلب کنند، اتحاد ملّی را تضعیف کنند ؛ دائم در حال یک چنین کارهایی هستند ؛ و این کاری است که دشمن میکند.

البته هدف این است که توده‌های مردم مورد اغوا قرار بگیرند اما وسیله‌ی اغوای توده‌های مردم، اغوای خواص است. امروز یکی از کارهای مهم، اغوای خواصّ جامعه است، [یعنی] کسانی که عنوانی دارند و امکانی دارند و احیاناً سوادى دارند و مانند اینها. چون وقتی خواص اغوا شدند، اگر به این خواصّ اغوا شده فرصت داده بشود و امکان داده بشود، راحت توده‌ی مردم را اغوا خواهند کرد. یکی از سنگین‌ترین جنگهای نرم تاریخ کشور ما امروز در همین زمینه در جریان است. دارند دائم با مزدورپروری، با حرام‌خوارسازی، با لطایف‌الحیل افرادی را حرام‌خوار میکنند ؛ وقتی حرام‌خوار شد، مثل حیوان خلال، ( ۸ ) دیگر خیلی مشکل میشود او را از حرام‌خواری دور کرد. و مزدورپروری میکنند ؛ بعضی‌ها را با تهدید، بعضی‌ها را با تطمیع و انواع و اقسام این چیزها. خب بنابراین الان یک جنگ نرم سختی وجود دارد.

البته من این را عرض بکنم: چرا امروز جنگ نرم علیه ما این قدر سخت است؟ علت، این است که ما قوی شده‌ایم ؛ ما قوی شده‌ایم. امروز جبهه‌ی حق از لحاظ زیرساخت‌ها، از لحاظ امکانات قوی شده. امروز چالش دشمن با جبهه‌ی حق آسان نیست، کار دشواری است ؛ لذاست که به جنگ نرم متوسّل میشوند و همه‌ی تلاش خودشان را میکنند که ذهنیّات را خراب کنند ؛ این به خاطر قدرت و قوّت ما است. البته گفتیم خواصّ آماجند لکن در بین خواصّ عده‌ی زیادی، مجموعه‌های عظیمی از خواص بحمدالله امروز هستند – از پروردگان حوزه و دانشگاه، بخصوص جوانها – که اینها هم بابصیرتند، هم پُرانگیزه هستند و میتوانند به معنای واقعی کلمه یک ستونی باشند، یک استوانه‌ی



مستحکمی باشند. البته دشمن هم بشدت در حال تلاش است، بشدت در حال اثرگذاری و نفوذ است.

www.leader.ir

خب حالا چه کار کنیم در مقابل این حرکت دشمن؟ جهاد تبیین؛ همین که شماها هم در بیاناتتان در این دو روز، مکرر گفتید؛ بنده هم قبلاً چند بار تا حالا تکرار کرده‌ام و بحث جهاد تبیین را گفته‌ام. خب حالا چرا میگوییم جهاد، جهاد تبیین؟ این گرفته شده است از کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛ امیرالمؤمنین در آن وصیت معروف خودشان به حسنین (علیهما السلام) - که خطاب به آنها است، منتها میفرمایند «وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي»؛ یعنی بنده و شما هم مخاطب این وصیت هستیم - از جمله‌ی چیزهایی که میفرمایند [این است]: «وَاللّٰهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّيْتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (۹) جهاد با السنة. (۱۰) حالا خوشبختانه [از میان] ملت ما، کسانی که میتوانستند، وارد بودند، با اموالشان، با انفسشان جهاد کردند؛ الان هم دارند جهاد میکنند؛ با السنه هم باید جهاد کرد که کسانی در این بخش هم میتوانند واقعاً فعال باشند و جهاد کنند.

خب حالا در زمینه‌ی جهاد تبیین ما صحبت‌های متعددی کرده‌ایم؛ من چند نکته را در این زمینه امروز عرض میکنم که شاید قبلاً اینها را عرض نکردم: یک نکته که زودتر از همه باید این را عرض بکنم، این است که شنیدم در مجلس یک بودجه‌ی سنگینی برای جهاد تبیین در نظر گرفته‌اند؛ بنده خیلی سازگار نیستم با این جور سبک در برخورد. ما سالها است که با دستگاه‌ها و با بودجه‌ها و با اینها مواجهیم دیگر. تجربه‌ی بنده میگوید که بودجه‌های بی‌نام و نشانی از این قبیل غالباً هدر میرود و به نتیجه نمیرسد. یک بودجه‌ی سنگینی را مجلس میگذارد که البته من به مسئولینی که این بودجه مثلاً باید به دست آنها برسد اعتماد دارم! این را به شما عرض بکنم، به هیچ وجه به آن مسئولین من بی‌اعتماد نیستم؛ چه در وزارت ارشاد، چه در سازمان تبلیغات و امثال اینها؛ به اینها اعتماد داریم؛ مردمان مؤمن و سالم‌اند، لکن طبیعت این کار یک طبیعت غلطی است که یک بودجه‌ی سنگینی را بگذارند به عنوان جهاد تبیین که حالا البته امیدواریم که این آقایان توجه کنند. خلاصه بنده موافق نیستم؛ بنده به عنوان کسی که به جهاد تبیین خیلی هم اهمیّت میدهم، با این جور بودجه گذاشتن و با این جور خرج کردن توافقی ندارم. این [یک] نکته.

نکته‌ی دوّم این است که در جنگ‌های سخت با سلاح‌های قدیمی دیگر نمیشود جنگید. امروز با شمشیر و با نیزه و با این چیزها، نمیشود به جنگ توپ و موشک و مانند اینها رفت. در جهاد تبیین هم همین جور است؛ با شیوه‌های قدیمی [نمیشود کار کرد]. البته بعضی از شیوه‌های قدیمی جایگزین ندارد، مثل منبر، مثل مدّاحی؛ اینها قدیمی است اما اینها جایگزین ندارد؛ اینها همچنان اثرگذار است و هیچ چیز دیگری جای اینها را نمیگیرد، لکن از لحاظ ابزارهای گوناگون بایستی به‌روز حرکت کرد. البته ما امروز در این زمینه سلاح‌های سخت‌افزاری مان خوب است؛ یعنی بخش فضای مجازی و امثال اینها بالاخره فعالند و کار میکنند و اگر چه فضای مجازی مشکلاتی دارد - که ان شاء الله جناب آقای رئیسی و دوستانشان باید همت کنند و هر چه زودتر باید این مشکلات برطرف بشود - لکن به هر حال در دسترس است؛ کارهایی که بایستی انجام بگیرد، از لحاظ سخت‌افزاری در دسترس است؛ مهم بخش نرم‌افزاری قضیه است. سلاح تبیین یک بخش نرم‌افزاری مهمی دارد؛ در اینجا بایستی نوآوری صورت بگیرد، بایستی سخن نو گفته بشود و شیوه‌ی نو در بیان ذکر بشود.

و به نظر من امروز آن چیزی که میتواند به بهترین وجهی به صورت یک سلاح مؤثری عمل کند، تبیین مفاهیم عالی اسلامی است در زمینه‌های مختلف. ما در زمینه‌ی مسائل معرفتی، مسائل معارفی، حرف‌های نگفته زیاد داریم؛ حرف‌های قابل گفتنی که برای دنیا جذاب و شیرین است، زیاد داریم. در زمینه‌ی مسائل مربوط به سبک زندگی اسلامی، ما خیلی حرف نگفته داریم. فرض کنید حالا یک قلم، بحث محیط زیست است، یک قلم بحث معامله‌ی (۱۱) با حیوانات است، یک قلم بحث خانواده است؛ اینها سبک زندگی است دیگر. در همه‌ی اینها اسلام حرف‌های جذاب دارد؛ معارف اسلامی‌ای که اینها را میشود از درون متون اسلامی تخلیص کرد و تجرید کرد و در اختیار همه گذاشت.





یا در زمینه‌ی آئین حکمرانی اسلامی؛ یکی از موضوعاتی که بسیار مهم است و میتوان این را مطرح کرد، مسئله‌ی حکمرانی اسلامی است. حکمرانی در منطق اسلام از بن و بنیاد با حکمرانی‌های رایج جهان متفاوت است؛ نه شبیه سلطنت است، نه شبیه ریاست جمهوری‌های امروز دنیا است، نه شبیه فرماندهی‌ها است، نه شبیه رؤسای کودتاگر است؛ شبیه هیچ کدام از اینها نیست؛ یک چیز خاصی است متکی به مبانی معنوی. سبک حکمرانی اسلامی این است: مردمی بودن، دینی بودن، اعتقادی بودن، اشرافی نبودن، مسرف نبودن، ظالم نبودن؛ نه ظالم [و نه مظلوم]: لا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي وَ لَا أَظْلِمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي. (۱۲) در این دعا‌های صحیفه‌ی سجّادیه [هست]؛ اینها هر کلمه کلمه‌اش مبانی مهم معرفتی است؛ اینها چیزهایی است که سلاحهای جدید ما است، باید از اینها استفاده کرد.

نکته‌ی سوّمی که در باب جهاد تبیین عرض میکنیم، این است که بایستی در جهاد تبیین، راه پیشرفت و تعالی مادی ملت از بیراهه‌ها و کج‌راهه‌ها جدا بشود؛ یکی از مسائل مهم این است. ما یک روزی سالها پیش در خطبه‌ی نماز جمعه (۱۳) گفتیم «خودی‌ها و غیر خودی‌ها»، جنجال شد که «چرا تقسیم میکنید به خودی و غیر خودی»، در حالی که همان حضراتی که این مسئله را مطرح میکردند، بارها و بارها خودشان خودی و غیر خودی را در مسائل گوناگون اعمال کردند. بحث «خودی و غیر خودی» یک بحث اساسی است؛ نه خودی به معنای خویشاوند یا هم‌مسلك یا هم‌حزب یا هم‌فکر در مسائل گروه؛ نه، خودی در اعتقاد به راه اسلام، در اعتقاد به نظر قرآن، در اعتقاد به ایمان اسلامی و حرکت عظیم جمهوری اسلامی که این همه برای آن هزینه شده. این مهم است؛ این راه صحیح از کج‌راهه و بیراهه بایستی جدا بشود، روشن بشود؛ در جهاد تبیین، این معنا مهم است.

و نکته‌ی پایانی در باب جهاد تبیین این است – که این تحذیر خود ما است، تهدید خود ما است – که بدانیم که اگر جهاد تبیین بدرستی صورت نگیرد، دنیامداران حتی دین را هم وسیله‌ی هوسرانی و شهوترانی خودشان قرار خواهند داد؛ یعنی اگر من و شما کارمان را درست انجام ندهیم، آن که برایش صرفاً دنیا مطرح است – دنیای شخص خودش، یعنی هوسهای خودش، آرزوهای خودش، خواسته‌های شخصی خودش – حتی دین را هم در خدمت خواهد گرفت. این جمله در نامه‌ی معروف امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) به جناب مالک اشتر است. (۱۴) حضرت شرح میدهند که کسانی را انتخاب کن که این خصوصیات را داشته باشد؛ [به طور] مفصّل خصوصیات را ذکر میکنند، میگویند اینها را برای همکاری خودت انتخاب کن؛ بعد که آن خصوصیات را بیان میکنند میفرمایند: فَانْظُرْ فِي ذَلِكَ تَنْظُرًا بَلِيغًا؛ با دقت نگاه کن، با دقت نظر کن؛ فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ. عجیب است! این را امیرالمؤمنین به مالک اشتر میگوید؛ یعنی بیست و چند سال بعد از رحلت پیغمبر؛ این اشاره‌ی به همین تسلط بنی‌امیه و عناصر آن‌چنانی است دیگر؛ آن کسانی که نماز صبح را چهار رکعت یا شش رکعت میخواندند، بعد هم میگفتند که حالمان خوب است، خوش است، اگر بخواهید، بیشتر هم برایتان میخوانیم. فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِأَلْهَوَى وَ تَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا؛ دین را وسیله‌ی به دست آوردن دنیا و اطفاء شهوات خودشان قرار بدهند. به خدای متعال پناه میبریم از اینکه در این دامهای سخت شیطان قرار بگیریم؛ چه خودمان، چه مردمان. و امیدواریم که از این حرفهایی که زدیم، ان شاء الله خودمان در درجه‌ی اوّل متعظ (۱۵) بشویم؛ بعد هم این حرفها اثر کند.

پروردگارا! به حقّ محمّد و آل محمّد، این ماه شعبان را برای همه‌ی امت اسلامی، برای ملت عزیز ایران مبارک بفرما. پروردگارا! قلب مقدّس ولیّ عصر را از ما راضی و خشنود کن؛ ما را از دعا و رضای آن بزرگوار برخوردار بفرما؛ و سلام و ارادت ما را هم به ایشان ابلاغ بفرما.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته



(۱) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی (نایب‌رئیس اول مجلس خبرگان رهبری) مطالبی بیان کرد.

(۲) مصباح‌المتجهّد و سلاح‌المتعبّد، ج ۳، ص ۸۲۹ (صلوات شعبانیّه)

(۳) اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۶ (مناجات شعبانیّه)

(۴) معلومات

(۵) بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد (۱۳۸۶/۱۰/۱۳)

(۶) بر اساس مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی، کلیه‌ی امور مربوط به مجوزهای کسب‌وکار از قبیل دریافت تقاضا، پاسخ‌دهی به استعلامها و تأییدیه‌ها و صدور مجوز، از سال ۱۴۰۱ صرفاً از طریق درگاه ملی مجوزهای کشور و به صورت یکپارچه انجام میشود.

(۷) از جمله، سوره‌ی ص، بخشی از آیه‌ی ۸۲: «... همگی را جدّاً از راه به در میبرم.»

(۸) نجاست‌خوار

(۹) نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۷

(۱۰) زبانها

(۱۱) نحوه‌ی برخورد

(۱۲) صحیفه‌ی سجدایّه، دعای ۲۰: «کس بر من ستم روا ندارد، زیرا تو را توان دفع ستم از من هست؛ و من بر کس ستم نکنم، زیرا تو قادری که مرا از ستمگری بازداری.»

(۱۳) خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۱۳۷۸/۵/۸)

(۱۴) نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳

(۱۵) پذیرای پند، پندپذیر